

محمودرضا گشمردی

استادیار دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید چمران اهواز

تاریخ وصول: ۸۳/۸/۲۸

تاریخ تأیید نهایی: ۸۳/۱۲/۱۲

چکیده

در حوزه زبان‌شناسی تاریخی، مطالعات متعددی در جهت تعیین اولین اقدام بشر برای آموزش و یادگیری زبان خارجه صورت گرفته است. در این گونه تحقیقات، زبان‌شناسان و متخصصان آموزش زبان‌های خارجی، از منابعی استفاده کرده‌اند که صرفاً به زوایای تاریخی اعصار بشری و اقوام مختلف توجه داشته است. در این تحقیقات، اولین اقدام بشر برای آموزش زبان خارجی به صورت‌های متفاوتی گزارش گردیده است. در کتاب «۲۵ قرن آموزش زبان: ۵۰۰ سال قبل از میلاد مسیح» (۱۹۶۹)، «لویی جی کلی» پیشینه آموزش زبان‌های خارجی را پنج قرن قبل از میلاد مسیح می‌داند. در سایر منابع نیز به آغاز امپراتوری روم و عهد عتیق اشاره می‌شود. در حالی که در کتاب «تحول آموزش زبان‌ها: ۵۰۰۰ سال تاریخ» (کلود ژرمن، ۱۹۹۳)، و در اثر دیگری با عنوان «تاریخ از سومر آغاز می‌شود» (ساموئل کرامر، ۱۹۵۶)، نکاتی مطرح می‌شود که به خوبی بیانگر این واقعیت‌اند که آموزش و یادگیری زبان خارجی در پنجاه قرن پیش، از منطقه سومر آغاز شده است. در این مجال، تاریخ آموزش زبان‌های خارجی در عصر سومریان، آموزش زبان نوشتاری «هیئاتیک» در مصر باستان، آموزش زبان یونانی کلاسیک در یونان، آموزش زبان یونانی به رومیان و آموزش زبان لاتین مورد بررسی قرار خواهند گرفت.

واژه‌های کلیدی: زبان‌شناسی تاریخی، تاریخ آموزش زبان‌های خارجی، زبان سومری، زبان اکدی، زبان یونانی، زبان لاتینی.

مقدمه

علم آموزش زبان به عنوان زیرمجموعه علوم زبانی^۱، به اقتضای موضوع تحقیق، با سایر علوم، از جمله زبان‌شناسی، روان‌شناسی، جامعه‌شناسی و غیره مرتبط می‌شود. یکی از موضوعاتی که می‌تواند مورد توجه قرار گیرد، قدمت آموزش زبان خارجی است. برای تحقیق در این باره، می‌بایستی از علوم تاریخ و باستان‌شناسی بهره جست. منظور، نگاه به کتب تاریخی از زاویه‌ای خاص است. توجه به پدیده زبان امر تازه‌ای نیست. بسیاری از نظریه‌ها و اهداف زبان‌شناسی جدید، ریشه در قرون گذشته دارند. زبان‌شناسی تاریخی، مترصد یافتن کلیه مواردی است که با تحول تاریخی زبان‌ها مرتبط‌اند. فردینان دو سوسور **Ferdinand de Saussure** در اثر خود با عنوان **درس‌هایی از زبان‌شناسی عمومی** ریشه‌شناسی یا بررسی تاریخ واژه‌ها (فقه‌اللغه)^۲ را یک مرحله از تکامل علم زبان‌شناسی می‌داند. اما آن‌را از زبان‌شناسی متمایز می‌کند و اظهار می‌دارد که زبان یکی از موضوعات مورد توجه ریشه‌شناسی واژه‌ها است. با این حال، برای این دو رشته از دانش زبانی، برخی زمینه‌های مشترک قائل است، از این‌روست که استفاده متقابل از یافته‌های هر یک را در بررسی‌های دیگر لازم می‌داند. ریشه‌شناسی واژه‌ها زمینه را برای پیدایش زبان‌شناسی تاریخی هموار می‌سازد. سوسور اصطلاح زبان‌شناسی تاریخی را مبهم می‌داند و اصطلاح زبان‌شناسی زمانی را پیشنهاد می‌کند (سوسور، ۱۹۹۰، صص ۱۹-۱۴).

در واقع، وی در اثر خود به مفاهیمی اشاره می‌کند که از نظر دیگر پژوهشگران زبان‌شناسی تاریخی و تطبیقی قرن نوزدهم پنهان مانده بود. سوسور بر اهمیت بررسی زبان از دو منظر کاملاً متمایز تأکید دارد: اول زبان‌شناسی همزمانی^۳ (بررسی نظام موجود زبان در زمان خاص) و دوم زبان‌شناسی زمانی^۴ یا تاریخی (بررسی تاریخ زبان و تغییرات آن در طول زمان). پیش از سوسور، میان همزمانی و در زمانی تفاوتی قائل نمی‌شدند، اما وی و زبان‌شناسان بعد از او این تمایز را کاملاً الزامی یافتند و حتی بعدها آندره مارتینه **André Martinet** «توصیف همزمانی پویا»^۵ را نیز مطرح می‌کند (مارتینه، ۱۹۹۶، صص ۲۹-۲۸). در برابر ادعای نودستوریان، مبنی بر این‌که زبان‌شناسی علمی و توصیفی الزاماً باید تاریخی باشد، سوسور عقیده داشت که بررسی همزمانی زبان نیز به همان اندازه می‌تواند علمی و توصیفی باشد. البته سوسور، اعتبار و الزام توضیح تاریخی زبان را هرگز نفی نکرد. هدف وی ایجاد تمایز میان توصیف همزمانی و توضیح در زمانی بود، وی در عین حال تأکید داشت که این دو، مکمل یکدیگرند، زیرا توضیح در زمانی به توصیف همزمانی وابسته است.

یکی از منابع معتبر در حوزه آموزش زبان که به‌طور مشخص به پیشینه آموزش زبان‌ها می‌پردازد، کتاب لویی جی کلی **Louis G Kelly** با عنوان **۲۵ قرن آموزش زبان: ۵۰۰ سال قبل از میلاد مسیح** (۱۹۶۹) است. همان‌طور که از عنوان کتاب نیز برمی‌آید، قدمت آموزش زبان خارجی را به پنج قرن پیش از میلاد برمی‌گردد. کتاب شاخص دیگری که به تحولات آموزش زبان می‌پردازد، اثر ویلیام فرانسیس مه کی **William Francis Mackey** می‌باشد. وی در اثر خود، **تحلیل روش آموزش زبان**، بخش کاملی را به تحول آموزش زبان اختصاص داده است. در این کتاب نیز، بررسی فرایند آموزش زبان از عهد عتیق آغاز می‌شود. در کتاب **تحول آموزش زبان‌ها: ۵۰۰۰ سال تاریخ**، کلود ژرمن **Claude Germain** با نگاهی زبان‌شناسانه به اثر تاریخی ساموئل کرامر **Samuel Noah Kramer**، با عنوان **تاریخ از سومر آغاز می‌شود**، ابتدای آموزش زبان خارجی را در ۵۰۰۰ سال پیش می‌یابد. در این مقاله مراد از زبان‌شناسی تاریخی صرفاً بررسی تحولات تاریخی زبان معینی نیست، بلکه همان‌طور که پیش از این اشاره شد، مقصود بررسی اسناد و شواهد در ارتباط با اولین اقدامات بشر برای آموزش زبان خارجی است.

بحث و بررسی

اگر مقصود تحقیق درباره قدیمی‌ترین اقدام بشر به آموزش زبان خارجه است، بایستی به کتب تاریخی مراجعه کرد و دریافت که کهن‌ترین اسناد مکتوب و قابل استناد مربوط به کدام تمدن است. شایان ذکر است که منظور از آموزش صرفاً نظام آموزش رسمی نیست، بلکه مقصود هر گونه اقدامی است که بتوان به منزله تلاش خواسته یا ناخواسته فرد یا افراد یا اقوامی دانست که مترصد آموزش یک زبان خارجی بوده‌اند. می‌توان ادعا کرد که فرایند آموزش و یادگیری از زمان خلق انسان وجود داشته است. به این معنی که انسان ماقبل تاریخ با پدیده‌های طبیعی مواجه می‌شده و احتمالاً پس از مشاهده و مواجه با آن‌ها، طی سالیان متمادی به صورتی اتفاقی مواردی را کم و بیش می‌آموخته و در پی آن،

- 1- Sciences du langage
- 2- la philologie / philology
- 3- Linguistique synchronique
- 4- Linguistique diachronique
- 5- Linguistique synchronique dynamique

مترصد انتقال آموخته خود به انحاء مختلفی مانند ایماء و اشاره و یا نقاشی به اطرافیان می شده است.

نشانه‌هایی از وجود انسان در کوهپایه‌های شمال عراق امروزی و به‌خصوص در منطقه کردنشین وجود دارد که مربوط به حدود صد هزار سال قبل است (کرامر، ۱۹۵۶، ص ۵۱). حدود شش هزار سال قبل از میلاد انسان‌هایی تنها با ابزارهای ابتدایی زندگی می‌کردند. اولین روستاها در حدود ۵۰۰۰ تا ۴۵۰۰ سال قبل از میلاد مسیح شکل گرفتند و انسان شروع به ساخت اولین بناهای عمومی و معابد و صیقل دادن ابزار کرد. این سازماندهی و پیشرفت قابل ستایش در زندگی بشر، برای اولین بار در چهار هزار سال قبل از میلاد در سرزمین سومر، در بخش پایین‌دست بین‌النهرین، در جنوب بغداد میان دجله و فرات به وقوع پیوست (همان کتاب، ص ۳۹). قدیمی‌ترین اسناد مکتوب جهان که بر اساس آن‌ها متخصصان علوم مختلف می‌توانند دقیق‌ترین و قابل اعتمادترین پاسخ‌ها را در زمینه‌های مختلف زندگی بشر استخراج کنند، در سرزمین سومر یافت گردید. اولین مؤسسات آموزشی در اواسط هزاره سوم قبل از میلاد در سومر ساخته شده‌اند. درست در همین زمان است که از کاتبان نام برده می‌شود. بر اساس منابع مکتوب و معتبر، اولین فرایند آموزش و یادگیری در مدارس سومری صورت گرفته است.

آموزش زبان سومری به اکدها

در بسیاری از کتب و منابع مرتبط با زبان‌شناسی و آموزش زبان، از تمدن سومری و اکدی نام برده شده است. در کتاب **مطالعه زبان** (یول، ۱۹۹۶، ص ۱۱) در بخش دوم با عنوان توسعه زبان نوشتاری زیر عنوان واژه‌نگار از خط سومریان به عنوان نمونه مناسبی از خط واژه‌نگار یاد می‌شود. در کتاب **مقدمه بر زبان** (فرم کین ورودمن، ۱۹۸۸، صص ۳۴۳-۳۴۲) جزئیات بیشتری درباره خط و تمدن سومریان ارائه گردیده است. در بخش مربوط به خط میخی با قدمت ۵۰۰۰ ساله تمدن سومری در منطقه بین‌النهرین و کتیبه‌هایی که بر روی آن‌ها اسناد تجاری، شعر، ضرب‌المثل و غیره نقش بسته، اشاره شده است. در کتاب **زبان‌شناسی و زبان** (فالک، ۱۳۷۷، صص ۲۲۶-۲۲۴) در فصل **نظام‌های نوشتاری واژه‌نگار از نظام نوشتاری واژه‌نگار سومریان** یاد می‌شود که دارای ۲۰۰۰ نشانه بود که در مدت ۱۰۰۰ سال به ۶۰۰ نشانه کاهش یافته است. در ادامه، به زبان اکدی اشاره می‌شود که از نظام نوشتاری سومری برگرفته شده است. لئونارد بلومفیلد Leonard Bloomfield در اثر معروف خود **زبان** (بلومفیلد، ۱۳۷۹، ص ۷۳) در فصل چهارم با عنوان **زبان‌های جهان از خط میخی نقش بسته بر روی صخره‌ها و سفال‌ها** صحبت به میان می‌آورد و از پیدایش زبان سومری در حدود ۴۰۰۰ سال پیش از میلاد نام می‌برد. در کتاب **زبان‌های جهان** اثر کنت کاتسner Kenneth Katzner از زبان سومری نامی به میان نیامده است. اما از زبان اکدی به عنوان قدیمی‌ترین زبان از گروه زبان‌های سامی که در حدود ۳۰۰۰ سال قبل از میلاد در بین‌النهرین وجود داشته، یاد شده است (کاتسner، ۱۳۷۶، ص ۳۷). در اثر ارزشمند دیوید دیرینگر David Diringer با عنوان **الفبای کلید تاریخ بشر** در بخش اول خط میخی، تمدن سومری و اکدی معرفی و ویژگی‌های آن‌ها مطرح می‌شوند. (دیرینگر، ۱۹۶۸، صص ۲۳-۲۰)

احتمالاً سومریان اولین قومی‌اند که از زبان نوشتاری بهره جسته‌اند. مقصود از زبان نوشتاری خط میخی است که بر روی کتیبه‌های خاک رس نوشته می‌شده است. در کاوش‌های باستان‌شناسی در منطقه بین‌النهرین، کتیبه‌هایی به دست آمده است که اطلاعات متعددی درباره اقتصاد، شیوه حکومتداری، حقوق، پزشکی، مذهب، کشاورزی، علوم اداری و نیز درباره تعلیم و تربیت در خود نهفته دارند. در میان آن‌ها، تکالیف متعددی از دانش‌آموزانی یافت می‌شود که زبان سومری را یاد می‌گرفتند. شاید آموزش زبان خارجی قبل از سومریان نیز وجود داشته است. اما از آنجایی که اسناد مکتوب قابل اتکاء وجود ندارد و اساساً خط از حدود ۳۰۰۰ سال قبل از میلاد به وجود آمده، عملاً چنین کاری غیر ممکن باشد. در آن زمان، مدرسه را کتیبه‌خانه و استاد را پدر مدرسه یا پدر کتیبه‌خانه و دانش‌آموزان را نیز پسران کتیبه‌خانه می‌نامیدند. کسی هم که به عنوان دستیار به استاد کمک می‌کرد برادر بزرگ نامیده می‌شد. وظیفه دستیار، ارائه سرمشق به دانش‌آموزان برای تمرین بر روی کتیبه‌هایشان، بازبینی و بررسی کتیبه‌های نوشته شده و درخواست تکرار مواد فرا گرفته شده از حفظ بود. به منظور تسهیل در امر آموزش، استادان یا همان کاتبان نه تنها اقدام به تهیه و تنظیم لوح‌های ریاضیات می‌کردند، بلکه فهرستی از کلمات و عبارات نیز ارائه می‌شد. هدف از آموزش کاتبان که همان معلمان امروزی باشند، قبل از هر چیز تربیت کاتبان دیگر برای نوشتن و کشیدن حروف میخی بود. بعدها که دانش‌آموزان به مراحل پیشرفته می‌رسیدند، بخشی از اوقات خود را صرف تحصیل قوانین و بازنویسی خاطرات، متون حقوقی، اساطیر، حماسه‌ها، اشعار، حکایات و ضرب‌المثل‌ها می‌نمودند (کرامر، ۱۹۶۹، صص ۲۲-۲۰).

آموزش زبان دوم حدوداً به سال ۳۰۰۰ تا ۲۳۵۰ سال قبل از میلاد برمی‌گردد. در آن زمان، اکدها که از نژاد سامی و از غرب و شمال آمده بودند، به تدریج سرزمین سومر را فتح کردند. اکدهای فاتح برخلاف عرف امروز که فاتحان زبان خود را به مغلوبان تحمیل می‌کنند، احتمالاً با پذیرش ارزش عظیم تمدن سومری، به فراگیری زبان رعیت‌های مغلوب خود اقدام کردند و از همان ابتدا، نظام نوشتاری سومریان را اختیار کردند. از آنجایی که دانش‌آموزان اکدی، آن زبان نوشتاری سومری را فرا می‌گرفتند که ارتباطی با زبان محاوره نداشت، می‌توان از آن به عنوان آموزش واقعی زبان خارجی نام برد.

برای فراگیری زبان سومری، استادان یا همان کاتبان، قدیمی‌ترین لغت‌نامه شناخته‌شده تا به امروز را تهیه کردند. در ابتدا فهرست کاملی از کلمات را به شکل ایده‌نگار^۱ و به صورت ستونی ارائه کردند. این فهرست با حدود سه هزار علامت میخی به آموزش زبان سومری به عنوان زبان نوشتاری اختصاص یافت. چرا که زبان سومری به عنوان زبان محاوره، خیلی زود از میان رفت و همچنین فراگیران همگی اکد زبان بودند. بر اساس نیاز، کاتبان ستون موازی دومی به فهرست ایده‌نگار تک‌ستونی اضافه کردند که تلفظ آن‌ها را به زبان اکدی نشان می‌داد. به منظور ایجاد سهولت در فراگیری بعضی از کلمات مبهم، گاهی اوقات کاتبان به ستون‌هایی که در آن‌ها تلفظ سومری و اکدی ذکر شده بود، ستون دیگری از شناسه‌ها اضافه کردند که نقش یادسپار را بازی می‌کرد. این اقدامات منجر به شکل‌گیری لغت‌نامه‌هایی دو زبانه شد که در آن‌ها کلمات و عبارات سومری به زبان اکدی، یعنی زبان فاتحان، ترجمه شده بود. شایان ذکر است که به لطف همین لوحه‌های دو زبانه، متون مکتوب به خط میخی، به زبان سومری و یا زبان‌های کهن دیگر رمزگشایی گردید. از آن جمله می‌توان از کتیبه‌ای نام برد که بر آن‌ها کلمات سومری، آشوری و هیتی نوشته شده بود. (بلومفیلد، همان، ص ۳۴۴). این فهرست‌های طولانی کلمات و عبارات اندک اندک منجر به شکل‌گیری کتاب‌های کم و بیش یکسان برای آموزش زبان سومری در کتیبه‌خانه‌ها شد. متخصصان امر بر اساس اسناد موجود اعتقاد دارند که زبان مادری کاتبان اکدی بوده و از این رو کاتبان دو زبانه بوده‌اند.

در ابتدای هزاره دوم قبل از میلاد قوم سومر منقرض شد. با این وجود، زبان آن‌ها تا یک قرن قبل از میلاد در حوزه مذهب و علم رایج بود. در همان زمان، زبان اکدی هم در میان ارتشیان و تجار و در ارتباطات روزمره مورد استفاده قرار می‌گرفت.

آموزش زبان خارجی در مصر و یونان باستان

بعد از تمدن سومری و اکدی، دو تمدن بزرگ عهد عتیق، یعنی یونان باستان و مصر دوره فرعونی، مورد توجه اند. مقصود از آموزش زبان‌های خارجی در این دو تمدن، آموزش زبان نوشتاری هیراتیکی در مصر و زبان یونانی کلاسیک در یونان است. از آنجایی که مصریان فعالیت دیپلماتیک با همسایگان خود داشتند، بنابراین به مترجمان شفاهی و کتبی نیازمند بودند. معاهده‌هایی به زبان‌های مصری-هیتی به سال ۱۲۷۸ قبل از میلاد مربوط به دوره رامسس دوم و اسناد دیگری وجود دارد که همگی گواهی بر این مدعاست. در واقع از دوران امپراتوری مصر باستان در حدود سال‌های ۳۰۰۰ تا ۲۱۰۰ قبل از میلاد عنوان سرترجم به بعضی از کارمندان عالی‌رتبه اطلاق می‌شد و این عنوان از پدر به فرزند منتقل می‌شد. (مونین، ۱۹۸۷، ص ۳۸). مقصود از آموزش زبان خارجه در مصر باستان، آموزش زبان نوشتاری هیراتیکی^۷ (دینی-ادبی) است که مشتق از زبان هیروگلیف^۸ است. در واقع، مصر باستان سه نوع خط را تجربه کرد: نخست خط هیروگلیف به معنی خط خدایان یا نشانه‌های مقدس. این خط متأثر از خط سومریان بود و در ۳۰۰۰ سال قبل از میلاد، یعنی حدود صد سال بعد از پیدایش خط سومریان رایج شد. خط دوم را هیراتیکی و خط سوم نیز دیموتیک^۹ یا دموتی می‌نامیدند. (فریدریش، ۱۳۸۱، ص ۱۱). در دوران امپراتوری جدید مصر، خط هیراتیکی رایج نبود و جزء خطوط کهن تلقی شد. دانش‌آموزان مصری می‌بایستی امثال و حکم که به زبان هیراتیکی نوشته شده بود، فرا گیرند. هدف مدرسه قبل از هر چیز، آموزش زبان نوشتاری هیراتیکی بود. اصول اساسی آموزش این زبان که برای دانش‌آموزان آن دوره بیگانه تلقی می‌شد، مبتنی بر دیکته، یادگیری جملات کامل و از حفظ خواندن آن‌ها بود (میالار، ۱۹۸۱، ص ۷۴). آموزش این زبان را می‌توان به عنوان آموزش زبان خارجی در نظر گرفت.

تمدن یونان در دوران عصر طلایی خود، در پایان قرن هفتم قبل از میلاد تا فتح رومیان در قرن دوم قبل از میلاد، دارای نهادهای آموزشی کاملاً سازمان‌یافته و مدونی بود. اما از آنجایی که یونانیان تمدن خود را برتر و زبان یونانی را برترین زبان می‌دانستند، نظام آموزشی تک زبانه داشتند. در یونان نیز مانند مصر، زبان رایج با زبان کلاسیک متفاوت بود. حماسه‌سرای شهیر یونانی هومر آثار خود *ایلیاد* و *اودیسه* را در حدود قرن نهم ق م سروده است. یکی از لهجه‌های یونانی به نام آتیکی^{۱۰} به صورت زبان غالب و مشترک مناطق مختلف یونان درآمد، این زبان مشترک را کوینه می‌نامیدند. این زبان از قرن پنجم قبل از میلاد زبان رایج یونان آن زمان شد (کاتسندر، همان، صص ۱۲۳-۱۲۲). فاصله چند صد ساله میان زبان کلاسیک و زبان رایج کوینه در قرن پنجم قبل از میلاد، آثار هومر را برای فراگیران آن زمان غیر قابل فهم ساخته بود. آثار هومر از یک طرف دارای واژگان تخصصی مرتبط با شعر و از طرف دیگر سبک زبانی کهن بود. به همین سبب، واژگان آثار هومر در یک ستون (زبان یونانی کلاسیک) و توضیح آن‌ها را به زبان یونانی معاصر در ستون مقابل ارائه می‌دادند. دانش‌آموزان پس از آموختن یونانی کلاسیک، موفق به فراگیری

6- Idéogramme

7- Hiératique

8- Hiéroglyphe

9- Démotique

10- Attique

فلسفه و زبان یونانی می‌شدند (ژرمن، ۱۹۹۳، ص ۳۷-۳۶). به جز آموزش زبان یونانی کلاسیک که برای معاصران خود تقریباً بیگانه تلقی می‌شد، آموزش واقعی زبان خارجه در مدارس یونان وجود نداشت. حتی در زمان استیلای امپراتوری روم، یونانیان آن‌ها را بربر تلقی می‌کردند و زبان‌شان را شایسته یادگیری نمی‌دانستند. به هر حال، استیلای امپراتوری روم، نمی‌توانست صرفاً نظامی باقی بماند، و سرانجام سیطره خود را بر ابعاد دیگر جامعه یونان نیز تسری بخشید. نجبا و اشراف یونانی که در مجلس سنا حضور داشتند و یونانیانی که مترصد استخدام در ارتش یا ادارات بودند، مجبور بودند زبان رومیان (لاتین) را بیاموزند. در مجموع یونانیان به راحتی به فراگیری زبان لاتین تن در نمی‌دادند، مگر در مواقعی که به دلایل مختلف قصد عزیمت به رم را داشتند.

آموزش زبان یونانی به رومیان

در این مرحله نیز تاریخ بار دیگر تکرار می‌شود. بدین ترتیب رومیان فاتح مانند اکدها، به خاطر عظمت و غنای تمدن یونان مشتاق فراگیری زبان آنان به عنوان زبان دوم شدند. البته علاقه به زبان یونانی به قبل از آغاز امپراتوری روم برمی‌گردد. رومیان به طرق مختلف و از جمله توسط معلمان یونانی یا از طریق بردگان یونانی خود به فراگیری این زبان می‌پرداختند (مه کی، ۱۳۷۰، ص ۱۹). در حدود دو قرن قبل از میلاد در شهر رم نظام آموزشی دو زبانه اجرا می‌شد و در حدود یک قرن قبل از میلاد، هر رومی با فرهنگ به خوبی به لاتین و یونانی صحبت می‌کرد. ادبای رومی به زبان یونانی و به لاتین می‌نوشتند، مانند سیسرون (۱۰۶-۴۳ قبل از میلاد) که آثار نویسندگان و خطیبان یونانی را به زبان رومی ترجمه کرد و بخشی از نوشته‌هایش نیز به زبان یونانی است. نوشته‌های رومی وی نیز مملو از نقل قول‌های یونانی است. اما بعد از دوران سیسرون، آشنایی با زبان یونانی کاهش یافت و زبان لاتین اندک اندک به جایگاه زبان یونانی رسید و با فرهنگ بودن، مترادف با شناخت نویسندگان بزرگ رومی مانند ویرژیل و سیسرون بود. تا قرن دوم بعد از میلاد مدارس دو زبانه بودند، ولی از قرن سوم روند جایگزینی زبان یونانی آغاز شد و در همه جای امپراتوری روم غربی، زبان لاتین رایج شد. کلیسا نیز زبان لاتین را به عنوان زبان رسمی خود انتخاب کرد. (مارو، همان، صص ۳۵۴-۳۵۰)

آموزش به دو زبان یونانی و لاتینی نخست در خانواده اشراف رواج داشت. رومیان، فرزندان خود را به خدمتکار یا برده یونانی می‌سپردند و با کمک آن‌ها زبان یونانی را قبل از زبان لاتین فرا می‌گرفتند. بعد از این مرحله، فرزندان رومی قادر به خواندن و نوشتن به هر دو زبان می‌شدند. در روم سه نوع مدرسه برای دختران و پسران وجود داشت. آموزش ابتدایی از ۷ تا ۱۱-۱۲ سالگی، آموزش متوسطه از سن ۱۱-۱۲ تا ۱۵ سالگی و آموزش عالی از ۱۵ تا حدوداً ۲۰ سالگی. آموزش ابتدایی، با تعلیم حروف الفبا از A تا X و بر عکس از X تا A شروع می‌گردید. حروف Y و Z فقط در نوشتن کلمات یونانی استفاده می‌شد. حروف را به صورت دوتایی یاد می‌گرفتند مانند: ... و BW و AX. آموزش هجاها و تلفیق آن‌ها در مرحله بعد قرار می‌گرفت. پس از این قادر به خواندن و سپس حفظ شعر یا اندرزهای اخلاقی کوتاه می‌شدند. علاوه بر این‌ها ریاضیات را نیز با ژتون و انگشتان خود فرا می‌گرفتند. شایان ذکر است که تمام این مراحل نخست به زبان‌های یونانی و سپس به زبان لاتین صورت می‌گرفت (مارو، همان کتاب، صص ۳۵۶-۳۵۵). آموزش متوسطه کمتر از آموزش ابتدایی رایج بود. در این دوره گرامر یونانی و لاتینی آموزش داده می‌شد. در واقع دستور زبان لاتین را به هنگام آموزش دستور زبان یونانی یاد می‌دادند. معلم، از شاعران شعرای کلاسیک درس می‌داد و بر اساس آن تمرین نگارش انجام می‌شد، که آموزش دستور، حروف و هجاها و کلمات و جملات را در بر می‌گرفت. در اواخر قرن پنجم نیز نحو زبان لاتین را آموزش می‌دادند. اساس آموزش این دوره، توصیف نویسندگان کلاسیک مانند ویرژیل بود. آموزش این دو زبان در مقطع متوسطه، نیاز به دو معلم یکی آشنا به دستور یونانی و دیگری به گرامر لاتینی داشت (میلار و ویال، ۱۹۸۱، ص ۱۹۶). آموزش در سطح عالی معطوف به تعلیم هنر سخنوری بر اساس اصولی بود که پیش از آن‌ها یونانیان وضع کرده بودند. شایان ذکر است که حقوق به زبان لاتین و پزشکی، فلسفه و علوم به زبان یونانی آموزش داده می‌شدند. (مارو، همان، صص ۳۸۹-۳۸۰). بایسته یادآوری است که مدرسه و آموزش دو زبانه منحصر به طبقات خاص شهرهای بزرگ و به ویژه روم بود. در واقع در دوران سیسرون، آشنایی با زبان یونانی به عنوان زبان دوم به اوج خود رسید و سپس آرام آرام در مقابل لاتین عقب‌نشینی کرد، تا این که سرانجام در قرن پنجم زبان لاتین به لطف مسیحیت در جهان غرب، کاملاً جای زبان یونانی را گرفت.

آموزش زبان لاتین

زبان لاتین همراه با توسعه امپراتوری روم گسترش یافت. هنگامی که امپراتوری روم، سرزمین «گل» (فرانسه امروزی)، اسپانیا، بخشی از شمال آفریقا، و مناطق شمالی بالکان را تصرف کرد، در واقع زبان لاتین نیز وارد این مناطق شد. از آنجایی که لاتین، زبان مسیحیت شده بود، تبلیغ و نشر این مذهب مساوی با اشاعه زبان لاتین شد. به واسطه حضور سربازان رومی در مستعمرات، زبان لاتین عامیانه در سرزمین‌های تحت

استیلای امپراتوری روم رواج یافت. با حمله ژرمن‌ها در اواخر قرن پنجم میلادی، امپراتوری روم غربی به بخش‌های مستقلی تقسیم شد و به تبع آن زبان‌های مختلفی از جمله فرانسوی، ایتالیایی، اسپانیایی، پرتغالی و رومانیایی به وجود آمد. به موازات آن‌ها، زبان لاتینی کلاسیک، در کلیسا و در آثار نویسندگان بزرگ کلاسیک مانند سیسرون به حیات خود ادامه داد. در این دوره لاتین زبان زنده تلقی می‌شد و تا قرن هشتم میلادی مکاتبات به این زبان صورت می‌گرفت. البته این زبان با زبان لاتین دوران امپراتوری روم متفاوت بود. در ممالک استقلال یافته، اشراف‌زادگان و نجبا زبان لاتین ادبی را که با زبان محاوره متفاوت بود یاد می‌گرفتند و آثار نویسندگان کلاسیک مانند هوراس، سیسرون، ویرژیل را مطالعه می‌کردند. تا آغاز قرون وسطی، زبان نوشتاری و محاوره، لاتین بود و در این دوره نمی‌توان از زبان لاتین به عنوان زبان خارجه یا دوم یاد کرد.

در زمان امپراتوری روم، رومیان زبان یونانی را به عنوان زبان دوم یاد می‌گرفتند، ولی چند قرن بعد، زبان لاتین زبان دوم ممالک دیگر شد. همان‌طور که قبلاً نیز اشاره شد، متون مذهبی مسیحیت به زبان لاتین نوشته شده بود. در کشور ایرلند، راهبان برای خواندن متون مذهبی، می‌بایستی زبان لاتین یاد بگیرند. این یادگیری از خلال کتب مذهبی صورت می‌گرفت، که قبل از فروپاشی امپراتوری روم یا در طول قرن پنجم به دست آمده بود. زبان ایرلندی‌ها از خانواده زبان سلتی بود و هیچ شباهتی با زبان لاتین نداشت. از این رو یادگیری زبان لاتین در حکم یادگیری زبان خارجی بود. در اواخر قرن پنجم، ایرلندی‌ها کم و بیش به زبان لاتین تسلط یافتند (ریشه، ۱۹۷۹، ص ۴۱). سرزمین گل، فرانسه امروزی، که حدود ۵۰ سال قبل از میلاد به تصرف رومیان درآمد و پنج قرن استیلای روم، بر زبان این سرزمین تأثیر فراوانی گذاشت. زبان فرانسه باستان از زبان لاتین بومی یا عامیانه نشأت گرفته بود که با زبان لاتین کلاسیک متفاوت است. پیدایش زبان فرانسه به سال ۸۴۲ میلادی برمی‌گردد، هنگامی که عهدنامه استراسبورگ در زمان شارلمانی نه به زبان لاتین، بلکه به زبان‌های ژرمن و فرانسه باستان قرائت شد. در حدود قرن نهم، در مدارس فرانسه، زبان لاتین وضعیت زبان دوم را به خود گرفت.

به نظر می‌آید شیوه آموزش زبان لاتین به عنوان زبان دوم در کشورهای ایرلند، انگلستان، آلمان و فرانسه از قرون هفتم تا یازدهم تفاوت چندانی ندارد (ریشه، همان کتاب، ص ۱۸۷). آموزش این زبان حول چهار محور اصلی بود: قرائت، محاوره، دستور زبان و واژگان. درباره قرائت، معلمان همان روش مدارس رومی را اجرا می‌کردند، بدین معنی که نخست از کلمه شروع و سپس به سیلاب و جمله می‌پرداختند. در ادامه دانش‌آموز می‌بایستی اشعار مذهبی را یاد گرفته و از حفظ بخواند. هنگامی که دانش‌آموزان به زبان لاتین شناخت پیدا می‌کردند و قادر به خواندن اشعار مذهبی از حفظ می‌شدند، مرحله مکالمه آغاز شد. از آن‌ها خواسته می‌شد که در کلاس و با همکلاسی‌ها به زبان لاتین صحبت کنند. معلم برای این که آن‌ها را وادار به صحبت کند، متون کوتاه یا ضرب‌المثل‌هایی به زبان لاتین به آن‌ها می‌داد تا حفظ کنند. سپس در کلاس، دوباره این متون و ضرب‌المثل‌ها را به صورت پرسش و پاسخ تمرین می‌کردند. در ارتباط با دستور زبان نیز، بخش‌های مختلف جمله، نوع کلمات و صرف فعل را بر اساس کتاب‌های دستور آموزش می‌دادند که از دستور **دونات** (قرن چهارم) و از **پریسین** (قرن نهم) اقتباس شده بود. در مرحله آخر، دانش‌آموز برای توسعه واژگان خود می‌بایستی بیشترین تعداد لغت ممکن را یاد بگیرد. بدین منظور لغت‌نامه‌ای متشکل از ترجمه کلمات رایج به زبان لاتین تهیه می‌کرد.

در پایان قرون وسطی و آغاز رنسانس، زبان لاتین آرام آرام جایگاه زبان برتر را از دست داد و زبان‌های ملی مانند فرانسوی، ایتالیایی و انگلیسی اهمیت بیشتری یافتند. از این پس بود که زبان لاتین کمتر در محاوره مورد استفاده قرار می‌گرفت و به تدریج به زبان مرده یا خاموش تبدیل شد. کتاب **تورات** ترجمه شد و لغت‌نامه‌های دو زبانه لاتینی و یکی از زبان‌های ملی، رایج شد. تا پیش از این، یادگیری زبان لاتین، به عنوان وسیله دستیابی به متون مذهبی و کلاسیک و به موقعیت مناسب اجتماعی تلقی می‌شد. ولی با توجه به ترجمه این متون، یادگیری زبان لاتین هدف شد و نه وسیله. در آن دوره، یادگیری زبان لاتین در مدارس به یک ماده آموزشی مانند سایر مواد آموزشی تبدیل شد.

نتیجه‌گیری

در تحقیقات تاریخی و باستان‌شناسی، مدارک و شواهد متعددی را می‌توان یافت که به انحاء مختلف به سیر تحول آموزش زبان‌های خارجی اشاره دارد. بر اساس اسناد و کشفیات تاریخی و باستان‌شناسی متقن و قابل اعتماد، آموزش زبان خارجی در سرزمین سومر در ۵۰۰۰ سال پیش شروع شده است. در این بررسی، ابتدا به آموزش زبان سومری به اکدها، سپس به آموزش زبان نوشتاری هیراتیک در مصر اشاره شد. بعد از آن تمدن و زبان یونانیان مرتبه والایی یافت. با پیدایش امپراتوری روم، زبان لاتین اهمیت یافت و طی چندین قرن، بدون رقیب به حیات خود ادامه داد. ولی آفتاب عمر زبان لاتین نیز غروب کرد و تبدیل به زبان خاموش یا مرده گردید. شاید در تحقیقات و حفاری‌های باستان‌شناسی اسناد دیگری به دست آید که تاریخ آموزش زبان‌های خارجی را فراتر از ۵۰ قرن نیز ببرد.

- ۱- بلومفیلد، لئونارد، *زبان*، ترجمه دکتر علی محمد حق شناس، مرکز نشر دانشگاهی، تهران، ۱۳۷۹.
- ۲- فالک، جولیا اس، *زبان شناسی و زبان*، ترجمه خسرو غلامعلی زاده، مؤسسه چاپ و انتشار آستان قدس رضوی، ۱۳۷۷.
- ۳- فردریش، یوهانس، *زبان های خاموش*، ترجمه دکتر یداله ثمره و دکتر بدرالزمان قریب، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ۱۳۸۱.
- ۴- کاتسندر، کنت، *زبان های جهان*، ترجمه رضی هیرمندی (خدادادی)، مرکز نشر دانشگاهی، تهران، ۱۳۷۶.
- ۵- مه کی، ویلیام فرانسیس، *تحلیل روش آموزش زبان*، ترجمه حسین مریدی، انتشارات آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۳۷۰.
- 6- Cooper, J., *Sumerian and Akkadian in Sumer and Akkad*, *Orientalia*, 42, 1973.
- 7- Diringer, D., *The Alphabet, a Key to the History of Mankind*, Hutchinson of London, London, 1968.
- 8- Fromkin, V./ Rodman, R., *An Introduction to Language*, 4rd.cd, the Drydeu Press (USA), 1988.
- 9- Gelb, I.j, *Pour une théorie de l'écriture*, traduit de l'anglais, 1952, Flammarion, Paris, 1973.
- 10- ———— *A study of writing*, Rev. ed., University of Chicago Press, Chicago, 1963.
- 11- Germain, C., *Evolution de l'enseignement des langues : 5000 ans d'histoire*, CLE Internqional, Paris, 1993.
- 12- Kelly, L. G., *25 Centuries of Language Teaching : 500 BC*, Rowley, Mass : Newbury House, 1969.
- 13- Kramer, S. N., *L'Histoire commence à Sumer*, traduit de *History Begins at sumer* (1956), Arthaud, Paris, 1957.
- 14- Kramer, S. N., *the Sumerians – their History, culture and Chartacter*, the University of Chicago Press, Chicago, 1963.
- 15- Kramer, S. N., *The Sacred Marriage Rite, Aspect of Fait, Myth, and Ritual in Ancient Sumer*, Indiana University Press, London, 1969.
- 16- Marrou, H.-I., *Histoire de l'éducation dans l'Antiquité*, 5e edition, revue et augmentee, Ed. Du Seuil. Nouvelle edition: Coll. "Points Historie", Paris, 1981.
- 17- Martinet, A., *Eléments de linguistique générale*, Armand Colin, 4^e édition, Paris, 1996.
- ترجمه این اثر نیز موجود می باشد: مارتینه، آندره، *اصول زبان شناسی عمومی*، ترجمه دکتر علاءالدین گوشه گیر، انتشارات دانشگاه شهید چمران، اهواز، ۱۳۷۸.
- 18- Mialaret, G. et Vial, J., *L'Histoire mondiale de l'éducation*, tome I: "Des origines à 1575", P.U.F., Paris, 1981.
- 19- Mounin, G., *Histoire de la linguistique*, "Des origines au XXe siècle", P.U.F., Paris, 1987.
- 20- Riche, P., *Ecoles et enseignement dans le Haut Moyen Age*, Aubier Montaigne, Paris, 1979.
- 21- Saussure, F. de, *Cours de Linguistique Générale*, Editions Payot, Paris, 1990.
- ترجمه این اثر نیز موجود می باشد: سوسور، فردینان دو، *دوره زبان شناسی عمومی*، ترجمه کورش صفوی، انتشارات هرمس، چاپ دوم، تهران ۱۳۸۲.
- 22- Titone, R., *Teaching Forgien Language –An Historial Sketch*, Georgetown University Press, Washington, 1968.
- 23- Yule, G., *the Study of Lamguage*, 2rd. ed., Cambridge University Press, 1996.